

عوامل طلاق و از هم پاشیدن زندگی ها چیست؟

در گذشته‌های نه چندان دور زندگی مشترک افراد دوام طولانی‌تری داشت و طلاق به ندرت اتفاق می‌افتاد. اما امروزه در عصر بی‌ثباتی اقتصادی، افزایش ابتلا به بیماری‌های روانی، فشار وارده از سوی رسانه‌های اجتماعی و ... طلاق دیگر امری غیرعادی تلقی نمی‌شود و به‌ویژه در خانواده‌هایی که زن و شوهر مدام با نگرانی‌های مالی قابل توجه و عدم سازگاری با یکدیگر مواجه‌اند، این امر تقریباً اجتناب‌ناپذیر است. حتی همسرانی که بسیار متعهد و به اصول اخلاقی پایبند هستند نیز ممکن است به دلایل مختلف ناگزیر از طلاق شوند.

شاید برای بسیاری از ما این سؤال ایجاد شود که چه عواملی سبب شکست زندگی مشترک می‌شود. در این مطلب به ۱۶ مورد از عواملی که آمار طلاق را افزایش می‌دهند اشاره خواهیم کرد. شاید برخی افراد یک یا چند مورد از این عوامل را در زندگی خود داشته باشند، اما به دلایلی به زندگی‌شان آسیبی وارد نشده باشد. با این حال بهتر است عوامل طلاق را بشناسید و آگاهانه زندگی کنید.

۱. ازدواج زودهنگام

افرادی که در اوایل جوانی ازدواج می‌کنند، بیش از دیگران در معرض طلاق قرار می‌گیرند. درست است که ازدواج با همکلاسی دوران مدرسه ممکن است رؤیایی به نظر برسد، اما واقعیت این است که معمولاً ازدواج در سنین بیست و چند سالگی به بالا، از پایداری و دوام بیشتری برخوردار است. با توجه به مطالعات انجام‌شده، افرادی که ازدواج را تا ۲۵ سالگی به تأخیر می‌اندازند، تا ۲۴ درصد کمتر با خطر طلاق روبه‌رو هستند.

۲. ازدواج‌های قبلی

بر اساس مطالعات انجام‌شده خطر طلاق با هر بار ازدواج تا حدی افزایش می‌یابد. بنابراین ازدواج‌های دوم و سوم بیشتر در معرض طلاق هستند. بسیاری از افراد بلافاصله پس از طلاق، بدون اینکه به‌طور کامل از ازدواج اول و شکست ناشی از آن بهبود یافته باشند وارد رابطه‌ی دیگری می‌شوند. برای برخی دیگر حفظ ازدواج دوم به دلیل فقدان یک خانواده‌ی منسجم دشوارتر است.

۳. فقدان باورهای مذهبی

به نظر می‌رسد ایمان نقش مهمی در پیش‌گیری از طلاق ایفا می‌کند. مطالعات متعددی در این زمینه انجام شده است که نشان می‌دهد آمار طلاق در میان زن و شوهرهایی که هر دو افرادی مذهبی و دیندار هستند به مراتب کمتر از افراد غیر مذهبی است. علاوه بر این، همسرانی که اشتراکات دینی یکسانی دارند نسبت به زوج‌هایی که عقاید مذهبی متفاوت دارند، بیشتر در کنار هم می‌مانند.

۴. مسائل مالی

بر اساس مطالعات، فقر یکی از شاخص‌هایی است که بیشتر از هر دلیل دیگری خطر طلاق را افزایش می‌دهد. زوج‌هایی که در زندگی بدهی‌های سنگین بالا می‌آورند ازدواج‌شان به شکست نزدیک‌تر می‌شود. به‌طور کلی بین مادیات و شادی رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. زن و شوهرهایی که مدام روی این موضوع تمرکز دارند که چه چیز بخرند و برای خرید چه چیزهایی باید صبر کنند، نسبت به کسانی که مشکلات مالی چندانی ندارند کمتر احساس شادی می‌کنند. متأسفانه برای افرادی که با فشار مالی قابل توجهی روبه‌رو هستند (مانند خانواده‌هایی که درآمد کم و بدهی‌های زیاد دارند) امکانات کافی برای مشاوره و منابعی که از طریق آنها بتوانند زندگی مشترک‌شان را نجات بدهند، وجود ندارد. بر اساس تحقیقات

احتمال طلاق در همسرانی که هفته‌ای یکبار بر سر مشکلات مالی با هم دعوا می‌کنند ۳۰ درصد بیشتر از سایر زوج‌هاست.

۵. داشتن فرزندان زیاد (به‌ویژه فرزندان چندقلو)

فرزندان زیباترین موهبت زندگی هستند، اما خانواده‌هایی که با داشتن فرزندان دو یا چندقلو باز هم به فکر بچه‌دار شدن هستند باید بدانند که زندگی مشترک‌شان با مشکل روبه‌رو خواهد شد. چندقلوها به زمان، انرژی و پول بیشتری نیاز دارند. بسیاری از این خانواده‌ها در آینده از نظر مالی دچار مشکل می‌شوند و این موضوع احتمال طلاق را به‌راحتی افزایش می‌دهد.

۶. سطح تحصیلات

درست است که تحصیلات برای پایداری و دوام زندگی مشترک به‌تنهایی کافی نیست، اما بر اساس تحقیقات انجام‌شده آمار طلاق در خانواده‌هایی که از لحاظ تحصیلات و آموزش در سطح بالاتری هستند، کمتر است. زوج‌هایی که بر اساس تحصیلات خود درآمد بیشتری کسب می‌کنند و استانداردهای بالاتری را در زندگی خود ایجاد می‌کنند، از ازدواج خود بیشتر لذت می‌برند. همچنین این مطالعه نشان داد زنان تحصیل‌کرده معمولاً تمایل دارند شوهران خود را از میان افرادی انتخاب کنند که از نظر تحصیلات هم‌سطح یا بالاتر از آنها باشند.

۷. فقدان آموزش‌های مناسب

شرکت در مشاوره‌های قبل از ازدواج می‌تواند به‌طور قابل توجهی در کاهش آمار طلاق مؤثر باشد. مشاوره‌ی قبل از ازدواج مهارت‌های حل مشکلات و اختلافات را به همسران می‌آموزد و برای حل مسائلی که بعدها در زندگی زناشویی ممکن است به اختلافات تمام‌عیار تبدیل شود، ضروری است. اما متأسفانه بسیاری از زوجها در جلسات مشاوره شرکت نمی‌کنند و این موضوع در افزایش آمار طلاق بی‌تأثیر نیست.

۸. طلاق والدین

معمولا کودکان طلاق نسبت به کودکان عادی در ازدواج‌شان با مشکلات بیشتری روبه‌رو هستند. اگر یکی از طرفین ازدواج در خانواده‌ی طلاق رشد کرده باشد، احتمال اینکه زندگی مشترک خودش به جدایی منجر شود تا ۵۰ درصد افزایش می‌یابد. بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده احتمال طلاق در خانواده‌هایی که زن و شوهر هر دو از کودکان طلاق بوده‌اند، بسیار زیاد است.

۹. تفاوت سنی زیاد

از دیرباز یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مربوط به ازدواج این بوده است که آیا ازدواج دو نفر از دو نسل متفاوت عاقلانه است؟ پاسخ منفی است. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که بهترین تفاوت سنی در ازدواج این است که شوهر ۲ تا ۱۰ سال از همسرش بزرگ‌تر باشد. آمار طلاق در این حالت به مراتب کمتر از حالتی است که اختلاف سنی بیشتر از ۱۰ سال یا زن بزرگ‌تر از شوهر است.

۱۰. خیانت

برآوردهایی که در مورد خیانت در ازدواج وجود دارد، در مطالعات مختلف متفاوت است و متأسفانه نمی‌توان در مورد آمار دقیق آن نظر داد. با این حال با یک جمع‌بندی کلی می‌توان به این نتیجه رسید که این آمار نگران‌کننده است. البته به‌طورکلی میزان خیانت در بین زوج‌های متأهل کمتر از رابطه‌های طولانی‌مدت یا زندگی‌های مشترک بدون ازدواج است. البته خیانت به سن و سال و میزان آموزش طرفین نیز بستگی دارد. بر اساس مطالعات به‌طورکلی زوج‌های مسن‌تر و آموزش‌دیده‌تر بیشتر به تعهدات خود پایبندند.

در اغلب موارد خیانت به‌تنهایی سبب طلاق نمی‌شود، چراکه همسران خائن معمولاً قادر به متقاعد کردن یک‌دیگر هستند و مدتی این مسئله را به تأخیر می‌اندازند. خیانت وقتی به طلاق منجر می‌شود که اعتماد کاملاً از بین رفته باشد. در این هنگام رابطه‌ی میان طرفین خدشه‌دار می‌شود. علاوه بر آن کسی که مورد خیانت قرار گرفته ممکن است به دلیل احساس طردشدگی یا رها شدن از سوی شریک زندگی‌اش به رفتارهای خشونت‌آمیز متوسل شود که این نیز به نوبه‌ی خود سبب بدتر شدن رابطه خواهد شد.

۱۱. ناسازگاری جنسی

ناسازگاری جنسی گاهی خود عامل اصلی طلاق است و گاهی به‌صورت غیر مستقیم سبب طلاق می‌شود؛ به این‌صورت که ابتدا به دلیل ناسازگاری جنسی یکی از زوج‌ها خیانت می‌کند و سپس به دلیل این خیانت طلاق اتفاق می‌افتد. بسیاری از افرادی که مرتکب خیانت می‌شوند، همین عامل را دلیل خیانت خود قلمداد می‌کنند.

متأسفانه زوج‌هایی که فرکانس رابطه‌ی جنسی‌شان با هم متفاوت است با مشکل روبه‌رو می‌شوند. در این حالت یکی از طرفین احساس می‌کند که تحت فشار قرار دارد در حالی‌که طرف دیگر احساس می‌کند مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته است. گاهی نیز به دلیل ازدواج‌های زودهنگام که چندین دهه به طول می‌انجامد طرفین احساس می‌کنند زندگی و رابطه‌شان آن‌قدر تکراری است که حالت کسالت‌باری دارد. بسیاری از طلاق‌هایی که پس از سال‌ها زندگی مشترک اتفاق می‌افتد، احتمالاً به همین دلیل است.

۱۲. اعتیاد

در اغلب موارد اعتیاد به‌تنهایی برای زندگی مشترک مشکل‌ساز نیست، اما عوارض ویرانگر آن می‌تواند زندگی را از هم بپاشد. به‌عنوان مثال فرد معتاد (خواه الکل خواه مواد مخدر) ممکن است دروغگو باشد یا دزدی کند و بنابراین با قانون مشکل داشته باشد. این رفتارها سبب فشار عاطفی و روانی در همسران این افراد می‌شود.

البته گاهی افراد این توانایی را دارند که در کنار همسر معتاد خود زندگی کنند و از نظر عاطفی او را حمایت کنند ولی اغلب افراد به خاطر سلامت روحی خودشان هم که شده طلاق می‌گیرند. تأثیر ویرانگر اعتیاد در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۴ انجام گرفت به‌خوبی نشان داده شد. بر اساس این مطالعه آمار طلاق در افراد معتاد به الکل ۱۵،۵ درصد بود که آمار قابل توجهی است.

۱۳. مشکلات روحی و روانی

بر اساس برآوردها، آمار طلاق در خانواده‌هایی که یکی از همسران یا هر دوی آنها دچار افسردگی، اضطراب و مشکلات روحی و روانی دیگر هستند بسیار بالاست. این مشکلات روانی می‌تواند هم به دلیل اعتیاد و هم به دلیل بیماری‌هایی مانند اختلال دوقطبی باشد. تحقیقات کارشناسان نشان داده است ۹۰ درصد ازدواج‌هایی که در آنها یکی از طرفین اختلال دوقطبی دارد به طلاق منجر می‌شود. با اینکه در مورد سایر بیماری‌های روانی این میزان کمتر است، اما باز هم آمار طلاق در آنها به‌طور چشمگیری بالاست. مشاهدات یک مطالعه در هند حاکی از این است که ۴۲ درصد از ازدواج‌هایی که در آنها یکی از همسران دچار شیذوفرنی است به طلاق منجر می‌شود.

همانند اعتیاد، بیماری‌های روانی نیز به خودی خود سبب طلاق نمی‌شوند، بلکه رفتارهای غیرقابل قبول افرادی که از این اختلالات رنج می‌برند عامل اصلی طلاق است. برای مثال افراد مبتلا به اختلال دوقطبی بیشتر از سایرین مرتکب حملات فیزیکی و اعمال خشونت‌آمیز می‌شوند. به همین ترتیب این افراد و همچنین مبتلایان به افسردگی با احتمال بیشتری به همسر خود خیانت می‌کنند.

۱۴. اختلاف نظر در تربیت فرزندان

بسیاری از پدر و مادرها بر سر اینکه چه کسی باید تربیت و پرورش کودکان را به عهده بگیرد (از جمله اینکه به کدام مدرسه باید بروند یا چگونه باید نظم و انضباط را به آنان آموخت) اختلاف نظر پیدا می‌کنند. البته در برخی موارد پدر و مادرها قبل از پیدایش چنین اختلافاتی طلاق می‌گیرند و به‌سادگی از فرزندان و دغدغه‌های تربیت و پرورش آنان چشم‌پوشی می‌کنند. بنابراین بهتر است افراد پیش از ازدواج در مورد انتظارات‌شان در رابطه با تربیت کودکان به‌طور کامل با هم صحبت کنند؛ در غیر این‌صورت به احتمال زیاد زندگی مشترک‌شان به طلاق منجر خواهد شد.

۱۵. رسانه‌های اجتماعی

فیس‌بوک، توئیتر، اینستاگرام و سایر رسانه‌های اجتماعی نقش بسیار مهمی در طلاق ایفا می‌کنند. مطالعه‌ای در سال ۲۰۱۵ انجام شد نشان داد که از هر ۷ مورد، یک نفر به دلیل اعتیاد همسرش به رسانه‌های اجتماعی طلاق می‌گیرد. در این مطالعه از هر ۴ نفری که مورد بررسی قرار گرفتند، حداقل یک نفر پاسخ می‌داد که تقریباً هفته‌ای یکبار جروب‌های خانوادگی‌شان به رسانه‌های اجتماعی مربوط می‌شود. اگرچه این دلیل به‌ندرت از عوامل اصلی طلاق به‌شمار می‌رود، با این حال جنگ و دعواهای بی‌پایان بر سر رسانه‌های اجتماعی می‌تواند زمینه را برای طلاق فراهم کند.